

## الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف درس: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درک کند.
- ۳ معنای واژگان جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ جمله بعد از اسم نکره را درست معنا کند.
- ۶ ترکیب «ماضی + مضارع = ماضی استمراری» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
- ۷ ترکیب «مضارع + مضارع = مضارع التزامی» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
- ۸ ترکیب «ماضی + ماضی = ماضی بعید، یا ماضی ساده» را بشناسد و درست به فارسی ترجمه کند.
- ۹ در مخابرات یک سیم کارت یا در موقعیت‌های مشابه خریدی انجام دهد.

### فرایند آموزش

متن درس درباره ارزش راست‌گویی و نکوهش دروغ‌گویی است. دانش‌آموزان از داستان لذت می‌برند. در متن درس، داستانی جالب گنجانده شده تا پیام درس به درستی منتقل شود.

### هماهنگی در ترجمه متن درس پنجم

يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدَمَّ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَحَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا، فَمَا اسْتَطَاعَ.

حکایت می‌شود که مردی بسیار گناهکار و پر از عیب بود. از کارهای بدش پشیمان شد و تلاش کرد آنها را اصلاح کند، ولی نتوانست.

فَذَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمُنُّعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي، فَنَصَحَهُ بِالتَّزَامِ الصَّدْقِ، وَأَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ.

پس به سوی مردی دانشمند و درستکار رفت و از او اندرزی خواست که وی را از ارتکاب گناهان

باز دارد. او را به پایبندی به راست‌گویی پند داد و قولی (پیمانی) برای این موضوع از او گرفت.  
فَكَلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا، امْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَانِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ،  
وَبِمُرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ لِالْتِزَامِهِ بِالصُّدْقِ.

و هرگاه آن مرد خواست که گناهی مرتکب شود، به خاطر وفای به عهد از آن خودداری کرد، تا به مرد دانشمند دروغ نگوید و با گذشت روزها به خاطر پایبندی‌اش به راست‌گویی از شر گناهان و عیب‌هایش رها شد.

وَ يُحَكِّي أَنَّ شَابًا كَانَ كَذَابًا، وَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ وَ نَادَى أَصْحَابَهُ:  
الْنَّجْدَةَ، النَّجْدَةَ ...

و حکایت می‌شود که جوانی بسیار دروغ‌گو بود، و در یکی از روزها داشت در دریا شنا می‌کرد و تظاهر به غرق شدن کرد و دوستانش را صدا زد: کمک، کمک ...

**توضیح:** كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ. در فارسی دو معنا دارد: «داشت در دریا شنا می‌کرد» و «در دریا شنا می‌کرد»؛ یعنی هم به صورت ماضی استمراری درست است و هم ماضی ملموس، یا در جریان. فَاسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ، وَ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ ضَحِكَ عَلَيْهِمْ.  
پس دوستانش برای اینکه او را نجات دهند به سوییشتافتند، و هنگامی که نزد او رسیدند، به آنها خندید.

كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ، فَأَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ، وَ لَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ.

این کار را سه بار تکرار کرد، و بار چهارم موج بالا رفت و نزدیک بود آن جوان غرق شود، پس شروع کرد به صدا زدن دوستانش، ولی آنها گمان کردند که او دوباره (از نو) دروغ می‌گوید.  
فَلَمْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى أَسْرَعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ وَ أَنْقَذَهُ، فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ:  
پس به او توجه نکردند، تا اینکه یکی از مردم به سوی او شتافت و وی را نجات داد، آن جوان به دوستانش گفت:

«شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكَيْذِبِي كَادَ يَقْتُلُنِي، فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا، وَمَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكُذْبِ مَرَّةً أُخْرَى.

نتیجه کارم را دیدم، دروغ گفتنم نزدیک بود مرا بکشد، پس از امروز هرگز دروغ نخواهم گفت؛ و این جوان بار دیگر به دروغ گفتن بازنگشت.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ التَّوْبَةِ: ۱۱۹

خدای بلندمرتبه فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و همراه با راست‌گویان باشید.

الصَّادِقُ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ؛ وَالصَّادِقُ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا نَكْذِبَ عَلَى الْأَخْرَيْنَ.  
راست‌گویی با خدا در اخلاص اعمال برای او تجلّی می‌یابد؛ و راست‌گویی با مردم این است که به دیگران دروغ نگوئیم.

وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ، وَ أَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ».  
و پیامبر ﷺ فرموده است: خیانت بزرگی است که به برادرت سخنی بگویی، او سخنت را باور کند، در حالی که تو به او دروغ می‌گویی (او سخنت را باور کرده، در حالی که تو به او دروغ گفته‌ای).  
وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَاتٍ لِسَانِهِ وَصَفْحَاتِ وَجْهِهِ».  
و امام علی ﷺ فرموده است: کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر اینکه در لغزش‌های زبان و همه جای چهره‌اش آشکار شود.

إِذَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كَذِبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ.

بنا بر این، [شخص بسیار] دروغ‌گو نمی‌تواند دروغش را پنهان نماید یا انکار کند.  
مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ ﷺ! «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ».  
سخن پیامبر ﷺ چه زیباست! «به بسیاری نماز و روزه و بسیاری حج و کار نیک و بانگ شبانه آنها نگاه نکنید؛ بلکه به راست‌گویی و امانت‌داری نگاه کنید».

پاسخ درک مطلب: ص غ ص غ ص

## اعلموا

هدف بخش دوم قواعد درس، آشنایی با ترجمه جمله بعد از اسم نکره است.  
تاکنون دانش‌آموز چندین بار با چنین جملاتی آشنا شده است.  
در قواعد این درس، دانش‌آموزان با شکل‌های گوناگونی از «معادل ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی» آشنا می‌شوند. چنین مبحثی در صرف و نحو عربی به این‌گونه وجود ندارد؛ این مبحث برای دانش‌آموزی است که می‌خواهد زبان عربی را بیاموزد.

## حوار

مکالمه درس «خرید سیم‌کارت» است. امروزه «خرید سیم‌کارت» یکی از موضوعات اصلی در سفرهای خارج از کشور است و یکی از گفت‌وگوهای پرکاربرد در آموزش مکالمه در هر زبانی همین موضوع است. در این درس، دانش‌آموز با چند کلمه و اصطلاح مهم آشنا می‌شود که قطعاً در سفرها برایش سودمند خواهد بود.

## تمرین‌ها

همه تمرین‌های هفت درس کتاب را دانش‌آموز قرائت و حل می‌کند. پیشنهاد می‌شود دبیر برگه‌ای داشته باشد و هر بار که دانش‌آموزی تمرینی را می‌خواند و حل می‌کند در آن علامت بزند، تا مبدا حل تمرینات صرفاً توسط چند نفر صورت بگیرد و بقیه دانش‌آموزان در حل تمرینات فعال نباشند.

می‌توان تمرینات ساده‌تر را برعهده دانش‌آموزان کم‌توان نهاد.

**تمرین اول:** هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است. در اینجا دانش‌آموز جملات را می‌خواند و ترجمه می‌کند سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار بخشی از نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. پاسخ‌ها: کَادَ يَغْرُقُ، أَضْمَرَ، أَنْكَرَ، كَرَّرَ و كَبَّرَ

**تمرین دوم:** هدف، تقویت مهارت ترجمه و کاربست آموخته‌های پیشین دانش‌آموز به همین منظور است. این تمرین به شکلی طراحی شده است تا بتواند آموخته‌های بخش قواعد سال گذشته را نیز یادآوری کند. آنچه را دانش‌آموز در سال‌های گذشته خوانده مجدداً در جاهای مختلف کتاب تکرار شده است. این تکرار در کتاب پایه دوازدهم نیز صورت خواهد گرفت. در بارم‌بندی نیز بخشی برای آموخته‌های پیشین نهاده شده است. همچنین احادیث این تمرین ناظر بر پیام اصلی متن درس است.

**تمرین سوم:** هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

پاسخ‌ها: الفنون، الغاز، المرح، الطنآن، الصلاة و الإضاعة

**تمرین چهارم:** هدف این تمرین، تثبیت آموخته‌های بخش قواعد همین درس است. آنچه را

دانش‌آموز در «اختبر نفسک» تمرین کرده است مجدداً تمرین خواهد کرد تا به تدریج این آموخته ملکه ذهنش شود.

## البحث العلمي

پژوهش درس در ارتباط با موضوع اصلی متن درس است. لطفاً به کتاب معلم عربی پایه یازدهم (مشترک) بخش البحث العلمي مراجعه کنید. در آنجا احادیثی در ارتباط با موضوع پژوهش این درس گلچین شده است. روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی در این درس با درس‌های قبلی یکی است، و آنچه قبلاً نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

## دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ حَکَى در گویش محلی عراق و سوریه به معنای «حرف زد» می‌باشد. اِحْکِ (در عامیانه عراق: اِحْجِی و در عامیانه سوریه: اِحْکِی) یعنی «صحبت کن».

۲ رَصِيد: اعتبار مالی، پشتوانه مالی، موجودی. رَصِيدٌ حِسَاب: باقیمانده حساب

۳ لَنْ را معمولاً نفی ابد معنا می‌کنند و در معادل فارسی آن کلمه هرگز را به کار می‌برند؛ ولی در «النحو الوافی» عباس حسن این‌گونه نیست:

«لَنْ» وهو حرفٌ يُفِيدُ النفيَ بغيرِ دوامٍ ولا تَأْيِيدٍ إِلَّا بِقَرِينَةٍ خَارِجَةٍ عَنْهُ. فإذا دخل على المضارع نفي معناه في الزمن المستقبل المحض - غالباً - نفيًا مؤقتًا يقصر أو يطول من غير أن يدوم ويستمر، فمن يقول: لن أسافر أو لن أشرب، أو لن أقرأ غدًا أو نحو هذا، فإنما يريد نفي السفر - أو غيره - في قابل الأمانة مدّة معينة، يعود بعدها إلى السفر ونحوه، إن شاء، ولا يريد النفي الدائم المستمر في المستقبل، إِلَّا إِنْ وُجِدَتْ قَرِينَةٌ مع الحرف «لَنْ» تُدَلُّ على الدوام والاستمرار.

أشهر أحكامه أنه مُخْتَصٌّ بِالْمضَارِعِ، ينصبه بنفسه، ويخلص زمنه للمستقبل المحض غالباً؛ ولهذا كان فيه لمعنى المضارع مقصوراً على المستقبل غالباً - كما تقدّم - نحو قوله تعالى: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

## الدَّرْسُ السَّادِسُ

**اهداف درس:** دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت، به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ حروف کَم، لِ و لا را بشناسد و فعل مضارع دارای این حروف را در جمله درست ترجمه کند.
- ۶ انواع حرف ل را در جمله از هم تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

### فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ یک رویداد تاریخی است. ماجرای اسارت سفانه دختر حاتم طائی در جنگ طيء.

### هماهنگی در ترجمهٔ متن درس ششم

ارْحَمُوا ثَلَاثَةً. به سه تن رحم کنید  
أَسْرَ الْمُسْلِمِينَ فِي غَزْوَةِ طَيْءٍ «سَفَانَةَ» ابْنَةَ حَاتِمِ الطَّائِيِّ الَّذِي يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْكَرَمِ،  
مسلمانان در جنگ طيء، سفانه دختر حاتم طائی را که در بخشش به او مثل زده می‌شود اسیر کردند.

وَلَمَّا ذَهَبَتْ مَعَ الْأَسْرَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

و هنگامی که همراه اسیران نزد فرستادهٔ خدا رفت.

قَالَتْ لَهُ: إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَيَحْفَظُ الْجَارَ وَيَحْمِي الْأَهْلَ وَالْعُرْضَ وَيُفْرِجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ، وَيَطْعَمُ الْمَسْكِينَ، وَيَنْشُرُ السَّلَامَ، وَيُعِينُ الضَّعِيفَ عَلَى شِدَائِدِ الدَّهْرِ، وَمَا أَنَا أَحَدٌ فِي حَاجَةٍ فَرَدَّهَ خَائِبًا، أَنَا ابْنَةُ حَاتِمِ الطَّائِيِّ.

به او گفت: قطعاً پدرم سرور قوم خودش بود، اسیر را آزاد می‌کرد، همسایه را حفظ می‌کرد، و از خانواده و ناموس (آبرو) حمایت می‌کرد، و اندوه غمگین را برطرف می‌کرد، و به درمانده غذا می‌داد، و صلح را پخش می‌کرد، و ناتوان را بر گرفتاری‌های روزگار یاری می‌کرد و کسی برای نیازی نزد او نمی‌آمد که ناامید برگردد، من دختر حاتم طائی هستم.

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: هَذِهِ صِفَاتُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا؛ اَتْرَكُوها فَإِنَّ أَبَها كَانِ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ وَاللَّهِ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. ثُمَّ قَالَ: «ارْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ، وَ غَنِيًّا افْتَقَرَ، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ».

پس پیامبر ﷺ فرمود: این به‌راستی صفت‌های مؤمنان است. او را رها کنید؛ زیرا پدرش بزرگواری‌های اخلاق را دوست می‌داشت؛ و خدا بزرگواری‌های اخلاق را دوست می‌دارد. سپس فرمود: رحم کنید به ارجمندی که خوار شد، و ثروتمندی که ندار شد، و دانایی که میان نادان‌ها تباه شد.

فَلَمَّا أَطْلَقَهَا النَّبِيُّ ﷺ رَجَعَتْ إِلَى أَخِيها «عَدِيٌّ بِنِ حَاتِمٍ» وَهُوَ رَئِيسُ قَوْمِهِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ. پس هنگامی که پیامبر ﷺ او را رها کرد، به سوی برادرش عدی بن حاتم که پس از مرگ پدرش رئیس قبیله بود، بازگشت.

فَقَالَتْ لَهُ: يَا أَخِي. وَ به او گفت: ای برادرم. إِنْني رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي. من از این مرد ویژگی‌هایی را دیدم که از آنها خوشم آمد. رَأَيْتُهُ يُحِبُّ الْفَقِيرَ، وَ يَفْكُ الْأَسِيرَ، وَ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ يَعْرِفُ قَدْرَ الْكَبِيرِ، وَ مَا رَأَيْتُ أَجُودَ وَ لَا أَكْرَمَ مِنْهُ.

او را دیدم که فقیر را دوست می‌داشت، اسیر را آزاد می‌کرد، به کوچک رحم می‌کرد، قدر بزرگ را می‌دانست و بخشنده‌تر و بزرگوarter از او ندیدم.

فَإِذَا يَكُونُ نَبِيًّا فَلِلْسَابِقِ فَضْلُهُ. پس اگر پیامبر است سبقت گیرنده [در ایمان به او] فضیلت دارد. وَ إِذَا يَكُونُ مَلِكًا فَلَا تَزَالُ فِي عِزِّ مُلْكِهِ. و اگر پادشاه است که پیوسته در [سایه] ارجمندی پادشاهی او هستی.

فَجَاءَ عَدِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاسْلَمَ وَ اسْلَمَتْ سَفَانَةُ.

پس عدی به سوی فرستاده خدا آمد و مسلمان شد و سَفَانَةُ نیز مسلمان شد. وَ اسْلَمَتْ قَبِيلَةُ طَيِّءٍ كُلُّها بَعْدَ مَا أَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ بِإِطْلَاقِ اسْرَاهِمِ.

و همه قبیله طى، پس از اینکه پیامبر ﷺ دستور به رها کردن آنها داد، مسلمان شدند.  
الدَّفْتَرُ الْخَامِسُ مِنَ الْمَثْنَوِيِّ الْمَعْنَوِيِّ لِـ «مَوْلَانَا جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ»  
(دفتر پنجم مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی)  
گفت پیغمبر که رحم آرید بر جان مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَافْتَقِرْ

(پیغمبر ﷺ فرمود که رحم کنید بر جان کسی که ثروتمند بود و فقیر شد)  
وَ الَّذِي كَانَ عَزِيْزًا فَاحْتَقِرَ      أَوْ صَفِيًّا عَالِمًا بَيْنَ الْمُضَرِّ  
(و کسی که صاحب عزت بود و خوار شد یا برگزیده دانایی که بین گروه نادانان است)  
گفت پیغمبر که با این سه گروه      رَحْمٌ آرید از ز سنگید و ز کوه  
آنکه او بعد از رئیسی خوار شد      وان توانگر هم که بی‌دینار شد  
وان سوم آن عالمی کاندرد جهان      مبتلی گردد میان ابلهان

پاسخ‌های بخش درک مطلب: غ ص غ ص غ

## اعلموا

هدف قواعد درس ششم، آشنایی با حروف «لم، ل و لا» است. دانش‌آموز با ترجمه فعل‌های مضارع دارای این حروف، آشنا می‌شود. باید بداند که لم یفعل معادل ماضی ساده یا ماضی نقلی در فارسی است. لیفعل و لا یفعل معنای الزام دارد و معادل مضارع التزامی در فارسی است؛ دبیر می‌تواند به جزم فعل مضارع اشاره کند، برای این کار از دانش‌آموزان می‌خواهد فرق یفعل و لیفعل، یفعلون و لم یفعلوا و ... را کشف کند. سپس خودش راهنمایی بیشتر انجام می‌دهد. این کار صرفاً برای فهم بهتر انجام می‌شود و در امتحان، ارزیابی از این مطلب به عمل نمی‌آید؛ مثلاً چنین سؤالاتی خارج از اهداف است:

بر سر فعل‌های زیر حرف لم اضافه کنید و تغییرات لازم را انجام دهید.  
یقرأ، یسترجعون، ییأسن

نوع اعراب رفع و جزم و اصلی یا فرعی بودن این فعل‌ها را مشخص کنید.  
یحسن، لا یدهب، لیعملوا



ساختن فعل و تعریب از اهداف نیست. دانش‌آموزی که بتواند فعل مضارع مجزوم را بشناسد و درست ترجمه کند، خود به خود به مهارت ساختن نیز دست خواهد یافت. این امر بالعرض حاصل خواهد شد. هدف درس عربی، فهم متن است. لذا تعریب از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید انواع ل و لا را در جملات واضح تشخیص دهد.

## تمرین‌ها

**تمرین اول:** هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین، فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد. برای این کار حدود دو دقیقه به دانش‌آموزان فرصت می‌دهیم تا این تمرین را حل کنند. سپس از پنج نفر می‌خواهیم جوابشان را بخوانند و هر جمله را ترجمه کنند. نیازی به نوشتن ترجمه نیست؛ زیرا عبارات‌های این تمرین همان عبارات متن درس‌اند.

۱ الَّذِي لَا رَجَاءَ لَهُ لِلنَّجَاحِ فِي هَدَفِهِ: الْخَائِبِ

۲ أَصْبَحَ فَقِيرًا وَلَا تَرَوْهُ لَهُ: افْتَقَرَ

۳ الَّذِي حُزْنُهُ كَثِيرٌ: الْمَكْرُوبِ

۴ الْأُسْرَةَ وَالْأَقْرِبَاءَ: الْأَهْلِ

۵ أَعْطَاهُ الطَّعَامَ: أَطْعَمَ

**تمرین دوم و سوم:** فهم آیات قرآن، از اهداف اصلی آموزش عربی در ایران است؛ تمرین دوم درس ششم در راستای همین هدف است؛ آنچه را دانش‌آموز در بخش قواعد خوانده است، در این تمرین بازآموزی و یادآوری می‌کند.

**تمرین چهارم و پنجم:** هدف این تمرین، تقویت مهارت شناخت انواع فعل در جمله است. مهم‌ترین بخش هر زبانی فعل است. در کتاب درسی به اندازه کافی این تمرین نهاده شده است. **تمرین ششم:** این تمرین از زیباترین تمرینات کتاب درسی است. در سال‌های گذشته، چنین تمریناتی همواره برای دانش‌آموز جذاب بوده است. این تمرین پیوندی میان ادبیات فارسی و

عربی است؛ متأسفانه طرح ضعیف سؤال در مسابقات و آزمون سراسری موجب شده است به این مطلب آسیب وارد شود. طرح سؤال از این قسمت بسیار وقت‌گیر و دشوار است و برای دانش‌آموز لذت‌بخش است، به شرط اینکه طراح، درست سؤال طرح کند. لازمه توانایی طرح سؤال، تسلط بالای دبیر به ادبیات هر دو زبان است که بتواند شاهد مثال مناسب بیاورد.

## البحث العلمي

هدف، تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همه دروس دیگر، فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. آشنایی با کسانی که به زبان و ادبیات فارسی و عربی خدمت کرده‌اند موجب می‌شود دانش‌آموز فکر کند اکنون وظیفه او در برابر فرهنگش چیست؟ شعر عمر خیّام نیشابوری به زبان‌های بسیاری از جمله زبان عربی ترجمه شده است. دانستن این نکته برای دانش‌آموز بسیار جالب است. احمد رامی اشعار خیّام را به نیکویی به زبان عربی برگردانده است.

احمد رامی (زاده نهم اوت ۱۸۹۲، درگذشت پنجم ژوئن ۱۹۸۱) شاعر، ترانه‌نویس و مترجم مصری بود که در اصل ترک بود. کارهای وی دربردارنده برگردان‌هایی از چند نمایشنامه شکسپیر و رباعیات شاعر ایرانی خیّام نیشابوری بود. رامی همچنین نقش چشمگیری با بهره‌گیری از زبان ساده برای بیان موضوعات والا در پیشبرد ترانه عربی بازی کرد. برای پاسداشت کوشش‌های چشمگیر وی در ترانه‌سرایی عربی او را «چامه‌سرای جوانی» نام نهادند.

## ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پرده‌نگار (پاورپوینت) یا ماهنگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

## دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ **أَهْلٌ**: جمع: أَهْلُونَ و أَهَالٍ و أَهَالٍ و أَهَالَاتٍ و أَهَلَاتٍ است. به معنای فامیل و خویشاوندان؛ «أَهْلُ الرَّجُلِ»: همسر مرد؛ «أَهْلُ الْبَيْتِ»: افراد ساکن در خانه؛ «أَهْلُ الْأَمْرِ»: اولیاء امر؛ «أَهْلُ الْخَبْرَةِ»: کارشناسان، متخصصین، آزمودگان؛ «أَهْلُ الْوَجَاهَةِ»: بزرگان و صاحب‌نظران؛ «أَهْلُ الْمَذْهَبِ»: هم‌کیشان؛ «أَهْلُ الْوَبْرِ»: چادرنشینان؛ «أَهْلُ الْمَدَرِ أَوْ الْحَضَرِ»: شهرنشینان؛ «أَهْلٌ لِكَذَا»: شایسته آن چیز است.

۲ **خَائِبٌ**: ناامید، ناکام، نافرجام، دلسرد

۳ **رَدٌّ**: رَدًّا و مَرَدًّا و مَرْدُودًا و رَدِّيدَى [رَدًّا] هُ عَنْ كَذَا: از آن کار وی را بازداشت، او را برگردانید.

رَدٌّ هُجُومًا: جلوی یورش را گرفت و آن را برگردانید.

رَدَّهُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ: آنها را به سرزمینشان برگردانید.

رَدَّهُ إِلَى بَيْتِهِ: او را به خانه‌اش باز گردانید.

رَدَّ عَلَيْهِ الشَّيْءَ: آن چیز را از او نپذیرفت.

رَدَّ إِلَيْهِ جَوَابًا: برایش پاسخ فرستاد.

رَدَّ الشَّيْءَ: آن چیز را به گونه‌ای دیگر درآورد.

رَدَّ فُلَانًا: فلانی را به اشتباه نسبت داد.

رَدَّ التُّهْمَةَ: اتهام را رد کرد.

رَدَّ الْبَابَ: درب را بست؛ «مَا يَرُدُّ هَذَا عَلَيْكَ شَيْئًا»: این چیز به تو سودی نمی‌رساند.

رَدَّ رَدًّا و مَرَدًّا و مَرْدُودًا و رَدِّيدَى و تَرَدَّدًا الْقَوْلَ: سخن را تکرار کرد.

۴ **لَمْ**: حرف جزم برای نفی فعل مضارع و تغییر معنای آن به ماضی است؛ مانند: «لَمْ يَأْكُلْ»:

نخورد، نخورده است، و گاهی همزه استفهام قبل از آن می‌آید و نفی به شکل مثبت می‌شود، و

معنای تقریر و توبیخ را می‌رساند؛ مانند: «أَلَمْ أَقُلْ لَكَ»: آیا به تو نگفتم؟ و گاهی میان همزه و لَمْ

حرف «ف» یا «و» می‌آید، مانند: «أَفَلَمْ أَقُلْ لَكَ» و «أَوَلَمْ أَقُلْ لَكَ».

۵ **ذُو**: مثناهُ ذَوَانٍ جمع آن ذَوُونَ: اسم به معنای دارنده است، و اعراب آن مانند اعراب اسم‌های

پنج‌گانه است؛ «ذُو عَقْلٍ»: باهوش، خردمند؛ «ذُو شَأْنٍ»: با اهمیت، صاحب منزلت؛ «ذُو الْقُرْبَى»:

خویشاوندان نزدیک؛ «ذُو مَالٍ»: توانگر، پولدار؛ «ذَوُو الشَّانِ»: اشخاص با نفوذ، اولیاء امر؛ «ذَوُو

الْأَرْحَامِ»: خویشان و نزدیکان؛ «الذَّوُونَ»: نام پادشاهان قدیمی در یمن.

## الدَّرْسُ السَّابِعُ

**اهداف درس :** دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ با معانی افعال پرکاربرد ناقصه «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» به ویژه فعل مهمَّ کان در جمله آشنا شود.

### فرایند آموزش

متن درس هفتم، آموزش امید به زندگی است. این واقعیت که درصدی از دانش‌آموزان نقص جسمی، یا مشکلات بسیار در زندگی دارند، انکارناپذیر است. متن درس هفتم به زندگی چند تن پرداخته است، که با وجود سختی در زندگی موفق شده‌اند. دبیر می‌تواند بستگی به وقتِ کلاس در این زمینه آگاهی لازم را به دانش‌آموزان دهد، و از آنان بخواهد، تا اگر نمونه‌های دیگری را می‌شناسند، نام ببرند.

### هماهنگی در ترجمه متن درس هفتم

«مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ»

هرکس چیزی را بخواهد و بکوشد، می‌یابد. (هرکس چیزی را خواست و کوشید، یافت).  
لا مُشْكَلَةَ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيْمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللهِ وَيَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ وَقُدْرَاتِهِ.  
هیچ مشکلی نیست که بتواند کسی را که به خدا و توأمندی‌هایش تکیه می‌کند شکست بدهد.  
كَثِيرٌ مِنَ النَّاجِحِينَ أَتَارُوا إِعْجَابَ الْآخَرِينَ؛ مَعَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُعَوِّفِينَ أَوْ فُقَرَاءَ أَوْ كَانُوا يُوَاجِهُونَ مَشَاكِلَ كَثِيرَةً فِي حَيَاتِهِمْ، وَمِنْ هَؤُلَاءِ:

بسیاری از افراد موفق موجب شگفتی دیگران شده‌اند؛ با وجود اینکه معلول، یا فقیر بوده‌اند، یا در زندگی‌شان با مشکلات بسیار روبه‌رو بوده‌اند، از آن جمله:

الْأُسْتَاذُ مَهْدِيُّ آذْرِيذِي وَهُوَ أَشْهَرُ كَاتِبِ لِقِصَصِ الْأَطْفَالِ، فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمَرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ.

استاد مهدی آذریزدی نامدارترین نویسنده داستان‌های کودکان، در سن بیست سالگی کارگری ساده بود، سپس کتاب‌فروش شد، و در [طول] زندگی‌اش به مدرسه نرفته بود.

هیلین کیلر عِنْدَمَا بَلَغَتْ مِنَ الْعُمُرِ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا، أُصِيبَتْ بِحُمَى صَبْرَتْهَا طِفْلَةً عَمِيَاءَ صَمَاءَ بَكْمَاءَ. هِلَن كِلر هنگامی که به نوزده ماهگی رسید، دچار تبی شد که او را کودکی نابینا، ناشنوا و لال گردانید.

فَأَرْسَلَهَا وَالِدَاهَا إِلَى مُؤَسَّسَةِ اجْتِمَاعِيَّةٍ لِلْمُعَوَّقِينَ.

پدر و مادرش او را به مؤسسه اجتماعی معلولان فرستادند.

اسْتَطَاعَتْ مُعَلِّمَةٌ «هیلین» أَنْ تَعَلَّمَهَا حُرُوفَ الْهَجَاءِ وَالتَّكَلَّمَ عَنْ طَرِيقِ اللَّمْسِ وَالشَّمِّ.

معلم هلن توانست که از راه لمس و بویایی حروف الفبا و سخن گفتن را به او یاد دهد.

وَلَمَّا بَلَغَتِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمَرِهَا، أَصْبَحَتْ مَعْرُوفَةً فِي الْعَالَمِ، وَحَصَلَتْ عَلَى عَدَدٍ مِنَ الشَّهَادَاتِ الْجَامِعِيَّةِ.

و وقتی که به بیست سالگی رسید، در جهان سرشناس شد، و مدارک دانشگاهی متعددی به دست آورد.

وَآخِرًا اسْتَطَاعَتْ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى الْبُلْدَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. وَأَلْقَتْ عِدَّةَ مُحَاضِرَاتٍ وَأَصْبَحَتْ أَعْجُوبَةً عَصْرِهَا.

و سرانجام توانست که به کشورهای گوناگون سفر و چند سخنرانی ایراد کند و مایه شگفتی

(شگفت‌انگیز) روزگارش شد.

أَلْفَتْ «هیلین» ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا تُرْجِمَتْ إِلَى خَمْسِينَ لُغَةً.

هلن هجده کتاب تألیف کرد که به پنجاه زبان ترجمه شدند.

مَهْتَابُ نَبَوِيِّ بِنْتٌ وُلِدَتْ بِدُونِ يَدَيْنِ، وَرُغِمَ هَذَا فِيهَا تَكْتُبُ وَتَرْسُمُ وَتَسْبِخُ، وَحَصَلَتْ عَلَى الْحِزَامِ

الْأَسْوَدِ فِي التَّكْوَانِدُو وَأَلْفَتْ كِتَابًا.

مهتاب نبوی دختری است که بدون دست به دنیا آمد، و با وجود این، می‌نویسد، نقاشی می‌کشد،

و شنا می‌کند، و کمر بند مشکی در تکواندو گرفت، و کتابی را تألیف کرد.

کریستی براون وُلِدَ فِي أُسْرَةٍ فَقِيرَةٍ وَكَانَ مُصَابًا بِالشَّلَلِ الدَّمَاغِيِّ، وَلَمْ يَكُنْ قَادِرًا عَلَى السَّيْرِ وَالْكَلامِ. فَسَاعَدَتْهُ أُمُّهُ.

کریستی براون در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد، و دچار فلج مغزی بود، و قادر به حرکت و سخن گفتن نبود. بنابراین، مادرش او را کمک کرد.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَخَذَ كَرِيسْتِي قِطْعَةً طَبَّاشِيرَ بِقَدَمِهِ الْيُسْرَى وَهِيَ الْعَضُوُّ الْوَحِيدُ الْمُتَحَرِّكُ مِنْ بَيْنِ أَطْرَافِهِ الْأَرْبَعَةِ وَرَسَمَ شَيْئًا.

در روزی از روزها کریستی با پای چپش که تنها اندام متحرک از بین دست و پایش بود، تکه گچی را برداشت و چیزی را نقاشی کرد.

وَمِنْ هُنَا ابْتَدَأَتْ حَيَاتَهُ الْجَدِيدَةَ. اجْتَهَدَ كَرِيسْتِي كَثِيرًا، وَأَصْبَحَ رَسَامًا وَشَاعِرًا وَأَلَفَ كِتَابًا بِاسْمِ «قَدَمِي الْيُسْرَى».

و از همین جا زندگی نوینش آغاز شد. کریستی بسیار تلاش کرد، و نقاش و شاعر شد و کتابی به نام «پای چپم» تألیف کرد.

فَأَصْبَحَ الْكِتَابُ فِي مَا بَعْدُ فِلْمًا حَصَلَ عَلَى جَائِزَةِ أَوْسْكَار.

این کتاب بعدها فیلمی شد که موفق به دریافت جایزه اسکار شد.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱ أَيُّ مُشْكَلَةٍ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الْمُتَوَكِّلِ عَلَى اللَّهِ؟ بِاسْمِ: لَا مُشْكَلَةَ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ.

۲ كَمْ كِتَابًا أَلَفَتْ «هَيْلِينْ كِيلِر»؟ أَلَفَتْ «هَيْلِينْ» ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا

۳ مَا اسْمُ كِتَابِ كَرِيسْتِي بَرَاون؟ قَدَمِي الْيُسْرَى.

این پاسخ‌ها و پاسخ سوالات مشابه آن در کتاب درسی دقیقاً در متن وجود دارد.

## اعلموا

هدف این است که دانش‌آموز معانی افعال ناقصه را در جمله درست تشخیص دهد.

افعال ناقصه‌ای که دانش‌آموز می‌خواند عبارت‌اند از: كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ.

مطلب اصلی درس بر سر فعل کان است. معانی و کاربردهای گوناگون فعل کان در درس آموزش

داده شده است. اهمیتی که فعل کَانَ دارد سه فعل دیگر کمتر دارند. این فعل در ترکیب با افعال دیگر معادل ماضی بعید و ماضی استمراری می‌شود. گاهی نیز کَانَ از حالت فعل ناقص (ربطی) خارج می‌شود و به معنای وجود داشتن است. کَانَ به معنای «بود» و «است» فعل کَانَ بر سر حرف جرّ که معادل مفهوم «داشتن» است، همه این موارد موجب کاربرد دقیق و چند منظوره کَانَ می‌شود.

دبیر می‌تواند به تغییری که فعل ناقص در اسم و خبر پدید می‌آورد اشاره کند؛ مثلاً از دانش‌آموز بخواهد فرق این جملات را بیان کند:

سَعِيدٌ حَاضِرٌ. كَانَ سَعِيدٌ حَاضِرًا.

الرَّبِيعُ جَمِيلٌ. أَصْبَحَ الرَّبِيعُ جَمِيلًا.

و به دانش‌آموز بگوید فعل ناقص معمولاً اعراب خبر را منصوب می‌کند؛ ولی این توضیح به این معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤال طرح کند، یا سؤال امتیازی بدهد و هر کس توانست پاسخ دهد نمره اضافه بگیرد. بدیهی است که در هیچ آزمونی و کتاب کاری چنین سؤالاتی طرح نمی‌شود. هدف این نیست که هرچه در صرف و نحو است در دوره دبیرستان به دانش‌آموز آموزش داد. آن کس که علاقه‌مند است در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات عرب یا مترجمی زبان عربی ادامه تحصیل خواهد داد. دو ساعت در هفته زمان محدودی است و دبیر فرصت کافی برای تقویت مهارت‌های شفاهی را در صورتی که کتاب پر حجم باشد از دست خواهد داد. حجم زیاد کتاب موجب خواهد شد دبیر نگران زمان به پایان رساندن کتاب باشد، به همین منظور سعی شده است کتاب درسی کم‌حجم باشد.

## تمرین‌ها

**تمرین اول:** هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین، فراگیر جمله‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند، سپس در پی یافتن گزینه‌های درست و نادرست بر می‌آید. این کار مهارت درک و فهم او را تقویت می‌کند.

۱ | الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيضَاءٌ أَوْ مُلَوَّنَةٌ يُكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبَّوْرَةِ وَ مِثْلَهَا: صحیح

۲ الْأَبْكُم مِّن لَّا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ، وَ مُؤَنَّثُهُ «بِكْمَاءً»: صحيح

۳ الْأَصْمُ مِّن لَّا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى، وَ مُؤَنَّثُهُ «صَمَاءً»: غلط

۴ اِرْتِفَاعُ حَرَارَةِ الْجِسْمِ مِّنْ عِلَائِمِ الْمَرَضِ: صحيح

۵ شَمُّ الْقِطِّ أَقْوَى مِنْ شَمِّ الْكَلْبِ: غلط پاسخ به این سؤال نیازمند داشتن اطلاعات عمومی است.

(البته سؤال برای دانش آموز پایه یازدهم دشوار نیست.)

**تمرین دوم و سوم:** هدف، تقویت مهارت ترجمه است. این تمرین، براساس آموخته‌های فراگیر در بخش قواعد انواع فعل است. شناخت و ترجمه فعل مهم‌ترین بخش قواعد زبان عربی است. هر اندازه دیر بتواند در این زمینه در کلاس کار کند کم است. مهارت شناخت فعل بسیار اهمیت دارد. این موضوع در بارمبندی پایه‌های دهم و یازدهم نیز لحاظ شده است.

هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل مد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آن‌گاه بی‌آنکه معلم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود. به خاطر ارزش بالای یادگیری فعل مدام مشابه این تمرینات در کتاب تکرار می‌شود. این تکرار در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

**تمرین چهارم:** هدف، تثبیت آموخته‌های پیشین است. این تمرین در کل کتاب یازدهم تکرار شده و در کتاب پایه دوازدهم نیز مجدداً تکرار خواهد شد. با تکرار و تمرین می‌توان امیدوار بود دانش آموز کم‌کم دانسته‌هایش تعمیق یابد، و با گذشت زمان، آموخته‌هایش فراموش نشود.

حفظ آیات و احادیث و به کارگیری آنها در جایگاه مناسب از اهداف کتاب است؛ اما نباید آنها را به این کار مجبور کرد. دیر توانمند با ایجاد علاقه و انگیزه موجب خواهد شد دانش آموز احساس نیاز کند و در پی حفظ آنها برآید.

**تمرین پنجم:** هدف این تمرین تکرار آموخته‌های بخش «اعلموا» است.

**تمرین ششم:** هرچند هدف این تمرین نیز مانند تمرین پنجم تکرار آموخته‌های بخش «اعلموا» است؛ اما تنوع به کار رفته موجب می‌شود تا دانش آموز خسته نشود.



## البحث العلمي

هدف، تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. دانش‌آموز علاقه‌مند می‌تواند در منابع جست‌وجو کند و دربارهٔ پژوهش درس، مطالبی بنویسد. انجام این بخش داوطلبانه است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همهٔ دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس، فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. حجم پژوهش چندان مدّ نظر نیست. شاید چند سطر پژوهش از چند صفحه بالاتر باشد. انجام این بخش در کلاس در صورت داشتن فرصت زمانی است.

مراقب باشیم کار پژوهش را خود دانش‌آموز انجام دهد. شوربختانه برخی سودجویان کارهای پژوهش را انجام می‌دهند و به دیگران می‌فروشند. دقت در شیوهٔ اجرای پژوهش تا حدودی می‌تواند در موفقیت بخش «البحث العلمي» کمک کند. موضوع پژوهش موجب امید به زندگی می‌شود. اطلاع یافتن از سختی‌های زندگی افراد باعث می‌شود افراد در برابر ناملازمات زندگی تحمل بیشتری داشته باشند.

## ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پرده‌نگار (پاورپوینت) یا نم‌هانگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

## دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ اطراف: «أَطْرَافُ الْبَدَنِ»: دو دست و دو پای و سر؛ «أَطْرَافُ الرَّجْلِ»: خویشاوندان آن مرد؛ «أَطْرَافُ النَّاسِ»: مردم ناشناس بر خلاف سرشناسان، اشراف و بزرگان آنها. اطراف مُتَعَاقِدَة: طرف‌های قرارداد؛ اطراف مُتَنَازَعَة: طرف‌های درگیر؛ اطراف مَعْنِيَة: مقامات ذی صلاح؛ مُتَعَدُّ الْأَطْرَافِ: چند جانبه؛

طَرَف: جمع أَطْرَاف و جمع الجمع أَطَارِيف: مرد بزرگوار، انتهای هر چیزی، ناحیه، یک دسته از چیزی؛ «قَصَّ عَلَيْهِ طَرَفًا مِنْ حَيَاتِهِ»: حوادث زندگی‌اش را برای او گفت. «مِنْ طَرَفِ فلان»: از سوی فلانی، «كَانَ وَ إِيَّاهُ عَلَى طَرَفِي نَقِيضٍ»: هر دو نفر با هم در جهت مخالف یکدیگر بودند؛ «الطَّرْفَانِ»: دو طرف قرارداد، یا دو طرف دعوی؛ «أَطْرَافُ الْمَدِينَةِ»: حومه شهر؛ «مُتَرَامِي الْأَطْرَافِ»: وسیع و پُردامنه ...

۲ حِزَام: کمربند؛ حِزَامُ الْأَمَانِ: کمربند نجات؛ حِزَامُ الْأَمْنِ: تدابیر احتیاطی برای سلامتی جامعه

۳ حُمَّى: تب؛ حُمَّى الْإِنْتِخَابَاتِ: تب و تاب انتخابات.

۴ رُغْمٌ: ستم، خواری، ناپسندی؛ «أَتَى عَلَى رُغْمِهِ»: بر خلاف میل خود آمد، خاک. الرَّغْمُ: مترادف الرَّغْمُ است؛ «رَغْمٌ كَذَا أَوْ رَغْمٌ أَنْ»، و «رَغْمًا عَنْ»، و «عَلَى الرَّغْمِ مِنْ وَ بِالرَّغْمِ مِنْ»، و «بِالرَّغْمِ عَنْ»، و «بِالرَّغْمِ مِنْ أَنْ»: بر خلاف میل و خواسته چیزی.

۵ شَهَادَةٌ: مصدر است از شَهِدَ لَهُ أَوْ عَلَيْهِ: گواهی دادن به سود، یا به زیان کسی، سوگند، کشته شدن در راه خدا، جهان و کهکشان آشکار که در برابر جهان ناآشکار است، تصدیق یا گواهی پزشکی برای بیمار، گواهینامه تحصیلی.

شَهَادَةُ الْإِبْتِدَائِيَّةِ: گواهینامه پایان تحصیلات دوره ابتدایی برای دانش‌آموزان قبول شده؛ «شَهَادَةُ حُسْنِ السُّلُوكِ»: گواهی سابقه خوب و نداشتن پیشینه بد.

۶ طَبَاشِيرٌ: گچ، نشان، علامت سفید کردن، با گچ خط کشیدن، با گچ نشان گذاردن / طَبَاشِيرٌ مُلَوَّنٌ: مداد رنگی مومی، مداد ابرو، نقاشی کردن / طَبْشُورَةٌ: جمع طَبَاشِيرٌ: تباشیر، گچ تخته. طَبَاشِيرٌ مَعْرَبٌ تباشیر فارسی است.

۷ رَوْحٌ: شادمانی، راحت، رحمت، عدالت، یاری کردن، نسیم باد؛ «يَوْمَ رَوْحٍ»: روزی خوش؛ «لَيْلَةُ رَوْحَةٍ»: شبی خوش

## طرح رو و پشت جلد

مفهوم طرح رو و پشت جلد از نگاه همکاران که می‌توان به عنوان کار پژوهشی از دانش‌آموزان خواست.

خانم سیما برزگر از تبریز:

طرح جلد کتاب عربی پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی بسیار زیبا و تأثیرگذار طراحی شده است. رنگ لاجوردی روشن یا به اصطلاح آبی ایرانی به کار رفته در آن تداعی آسمان، آزادی و آرامش است و تلفیق آن با رنگ سفید از سردی آن کاسته و سبب ایجاد حس روح‌افزا و آسمانی شده است.

دو بیت شعر عمیق و پرمعنا از حضرت علی علیه السلام بر ارزش آن افزوده است:

دواؤك منك و ما تبصر ..... و دواؤك منك و لا تشعر

أ تزعم أنك جرم صغير ..... و فيك انطوى العالم الأكبر

خانم سهیلا ملایی یگانه از زنجان:

شیخ بهایی و آسمان پرستاره مصور پشت جلد کتاب عربی پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد به سرآید غم هجران تو یا نه ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

(شیخ بهایی)

شیخ الاسلام بهاء‌الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی متخلص به بهایی، معروف به شیخ بهایی، حکیم، فقیه، عارف، منجم، ریاضی‌دان، شاعر، ادیب، تاریخ‌شناس و دانشمند نامدار سده دهم و یازدهم هجری است. او در بعلبک شام زاده شد، و خانواده‌اش یک سال بعد از تولدش به جبل عامل رفتند. پدرش از شاگردان «شهید ثانی» بود و پس از کشته شدن استادش همراه خانواده خود در حالی که فرزندش ده ساله بود، به ایران آمد و در اصفهان سکونت گزید، البته بیشتر تحصیلات

شیخ بهایی در قزوین بود. گویند نسب وی به «حارث همدانی» از اصحاب امیرالمؤمنین می‌رسد. این فقیه محدث، حکیم و ریاضی‌دان شیعه با وجود اینکه، مقام شیخ‌الاسلامی را که به عنوان بالاترین منصب رسمی دینی در حکومت صفویه بود، بر عهده داشت؛ همچنان به عزلت و زهد گرایش داشت، آنجا که می‌سراید:

ما سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی

او شاگردانی را تربیت کرد که هر یک چون ستارگانی بر تارک آسمان ایران می‌درخشند، که از معروف‌ترین آنها می‌توان از صدرالمآلهین شیرازی، محمدتقی مجلسی، ملا محسن فیض کاشانی نام برد. از شیخ بهایی تألیفات بسیاری در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی، هنر و فیزیک بر جای مانده است و تعداد کتاب‌ها و رسایل او را گروهی ۸۸ و گروهی ۹۵ کتاب و رساله گزارش کرده‌اند، و حتی عده‌ای این تعداد را ۱۲۰ می‌دانند. مشهورترین اثر او «کشکول» به زبان عربی و در سه جلد است. وی در مثنوی فارسی «شیر و شکر» برای اولین بار در شعر فارسی «بحر خب» رایج در اشعار عربی را در فارسی به کار برد. از مشهورترین قصاید عربی وی قصیده معروف «وسيلة الفوز والأمان» در ۶۳ بیت در ستایش امام عصر عجل الله فرجه است، و نیز صلوات مشهوری دارد که برای چهارده معصوم علیهم السلام ساخته است، که با مطلع «اللهم صلّ وسلّم و زِدْ وَبَارِكْ علی صاحب الدعوة النبویة» شروع می‌شود.

بخش مهمی از اشعار عربی او لغز و معماست، که بیانگر تسلط شیخ بر این حیطه است. توانایی او در ایجاز و بیان معماگونه مطالب در آثاری چون رسایل پنجگانه اثنی عشر، خلاصة الحساب، فوائد الصمدية، تهذیب البیان، الوجیزة فی الدراییة و همچنین تبخّر او در صنعت لغز در آثاری چون لغز الزبدة، لغز النحو، لغز الکشاف، لغز الصمدية، لغز الکافیة مشهود است.

او نه تنها شعر می‌سرود، بلکه در باب علم نحو نیز کتاب معروف «الصمدية» را نگاشت، و در کتاب «حداق الصالحین» شرحی بر «صحیفه سجادیه» حضرت امام سجاد علیه السلام نوشته است، و کتاب نایاب «التحضير» در زمینه احضار جن هم او از اوست. نقل می‌کنند که به زبان ترکی نیز آشنا بوده است، و «عرفات العاشقین» اولین تذکره‌ای است که در زمان حیات شیخ بهایی از او نام برده شده است. از جمله آثار منثور او «موش و گربه» است که تأثیرگذار بر رساله منثور «جواهر العقول» علامه محمدباقر مجلسی است.

گذشته از شعر، علوم و معارف اسلامی، در حوزه‌های دیگری چون ریاضی، معماری، مهندسی، جغرافیا نیز تبخّر داشته است.

آثار معماری او عبارت‌اند از:

ساخت مناره جنبان اصفهان

تعیین دقیق قبله مسجد امام اصفهان

طراحی گنبد مسجد امام اصفهان که صدا را هفت بار منعکس می‌کند، و در آن پژواک صدا رخ می‌دهد.

طراحی و ساخت شاخص ظهر شرعی در حرم مطهر امام رضا علیه السلام

طرح دیواری در صحن حرم حضرت علی علیه السلام در نجف به گونه‌ای که زوال شمس را در تمام ایام سال مشخص می‌کند.

طراحی صحن و سرای مشهد مقدّس به صورت یک شش ضلعی و ...

این بزرگ‌مرد ایرانی علاوه بر چیره‌دستی در علوم مختلف در علم نجوم نیز کتاب «حدیقه هلالیه» را که شامل تحقیقات و فواید نجومی است نوشت، و به پاس خدمات وی در زمینه علم ستاره‌شناسی، سازمان یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم بود، نام وی را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد.

(برگرفته از منابع: تاریخ ادبیات ایران، دکتر صادق رضازاده شفق، دایرة‌المعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب، سیمایی از شیخ بهایی در آیینۀ آثار محمّد قصری، تاریخ سلطانی، اثر حسن استرآبادی، طبقات اعلام الشیعه آقا بزرگ طهرانی) و ...



«مطالعه محترم و صاحب نظران گرامی می‌توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب این کتاب از

عریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴ - گروه دینی مربوط و پیام‌نگار Email

ارسال نمایند [talif @ talif.sch.ir](mailto:talif@talif.sch.ir)

بزرگداشت کتاب‌های دینی سوره و شوط نظری

